فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc425849579)

[خطبه اول 1](#_Toc425849580)

[بهار از دیدگاه قرآن 2](#_Toc425849581)

[آیاتی پیرامون بهار 2](#_Toc425849582)

[نکات و مطالبی پیرامون آیات بهار 3](#_Toc425849583)

[خطبه دوم 7](#_Toc425849584)

[نگاه کلی به حوادث و وقایع کلی سال 7](#_Toc425849585)

[اقتدار ملی 8](#_Toc425849586)

[نکاتی پیرامون اقتدار ملی 8](#_Toc425849587)

[وظیفه مردم و مسئولین 10](#_Toc425849588)

[مهم‌ترین کارهای انجام‌شده در منطقه 10](#_Toc425849589)

خطبه اول

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللَّه [[1]](#footnote-1)ثم الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبی القاسم محمّد (ص)، و علی آله الأطیبین الأطهرین سیّما بقیّة الله فی الأرضین** **أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ[[2]](#footnote-2)** **عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه.**

بهار از دیدگاه قرآن

در قرآن کریم از مسئله زنده شدن مجدد زمین به‌عنوان یکی از آیات الهی نام‌برده شده است که این حیات مجدد طبیعت هم در بهار به‌صورت واضح و گسترده تحقق پیدا می‌کند، بهار از آیات خدا است و زندگی جدید طبیعت و زمین از نشانه‌های عظمت و قدرت الهی است. قرآن کریم علاوه بر اینکه در آیات مختلف به طبیعت و تحولات گوناگون زندگی بشر و زمین و آسمان اشاره می‌کند از یک قضیه‌ای به نام حیات زمین حداقل در پانزده مورد نام می‌برد و به‌عنوان یکی از مظاهر خدا به آن اشاره می‌کند.

البته آیات قرآن به‌صورت مستقیم به مسئله نوروز و آنچه در فرهنگ ایرانیان است توجه ندارد اما به مسئله بهار که از همین ایام و مواقع آغاز می‌شود توجه خاص دارد و درس‌هایی هم از بهار و تحول طبیعت و زندگی جدید گیاهان و کره زمین نام می‌برد.

آیاتی پیرامون بهار

در آیه 164 سوره بقره و در کنار یک سلسله از آیات به این مطلب پرداخته‌شده است که: «**وَ مَا أَنزَلَ اللّهُ مِنَ السَّمَاء مِن مَّاء فَأَحْیا بِهِ الأرْضَ بَعْدَ موت‌ها**[[3]](#footnote-3)» خدا بارانی از آسمان می‌فرستد و با نزول باران شرایطی پدید می‌آید که زمین مجدّداً بعد از مرگ زمستانی حیات جدید پیدا بکند.

نظیر همین در آیه 65 سوره نحل هم آمده است که می‌فرماید: «**وَ اللّهُ أَنزَلَ مِنَ الْسَّمَاء مَاء فَأَحْیا بِهِ الأَرْضَ بَعْدَ موت‌ها**[[4]](#footnote-4)» در این آیه هم به همان داستان نزول باران و زندگی مجدد زمین و گیاهان اشاره‌شده است.

همین‌طور در سوره عنکبوت، در سوره جاثیه، در سوره فاطر چنین آیاتی وجود دارد، در آیه 9 سوره فاطر می‌فرماید: «**فَسُقْنَاهُ إِلَی بَلَدٍ مَّیتٍ فَأَحْیینَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ موت‌ها**[[5]](#footnote-5)» این آیات و آیات قبل از آن به پیدایش ابرها با آن قانون پیچیده و با قدرت الهی اشاره دارد و اینکه ابرها پدید می‌آیند و ما با کمک باد آن را به سمت شهرهای مرده و می‌فرستیم و با نزول باران رحمتش زمین مرده دوباره بیدار می‌شود.

همین‌طور در سوره ق، در سوره یس، در سوره فرقان، در سوره روم، در سوره حدید و بعضی آیات و صور دیگر قرآنی به این قضیه اشاره‌شده است که یکی از آیات بزرگ خداوند و از نشانه‌های قدرت و اعجاز الهی حیات تازه زمین است به‌طوری‌که اگر کسی در زمستان به باغ و مزرعه سر بزند فکر نمی‌کند که آن زمین یک روزی بتواند دوباره زنده بشود و نشاط و شادمانی بیافریند ولی این قانون طبیعت است و دست الهی است که این قانون را بر طبیعت حاکم کرده است.

نکات و مطالبی پیرامون آیات بهار

با خواندن این آیات ملاحظه می‌شود که قرآن به همین طبیعت از نو بیدار شده و به این رویش جدید گیاهان و شکوفه زدن درختان و نشاط مجدد زمین و مزارع یک نگاه معنوی و اخلاقی دارد. اسلام هم زمینه را برای هر بهره‌برداری مشروع و در چارچوب شرعی منع نکرده است بلکه اگر برای هدف درستی باشد گاهی ترغیب هم کرده است.

اسلام در کنار اینکه این امر طبیعی را تجویز کرده است یک منظر معنوی، اخلاقی و فوق مادی بر این پدیده افکنده است و درواقع دین و قرآن به ما عینکی می‌دهد که از پشت این عینک به حقایق نهان در طبیعت راه ببریم. اگر چشم انسان ضعیف باشد ممکن است در فاصله‌های زیاد چیزی را نبیند ولی با عینک همان چیزهای مخفی هم ظهور پیدا می‌کند.

درواقع این عینک افق دید انسان‌ها را وسیع‌تر می‌کند یعنی وقتی‌که بهار فرارسید به برکت باران خدا و تجدد هوا همه می‌بینند که درختان شکوفه می‌دهند و سرزنده می‌شوند، اما در عمق این تحول طبیعت چیزهای دیگر هم نهفته است که با این عینک مشاهده می‌شود و حقایقی که پنهان بود با این بصیرت باطن آشکار می‌شود.

عمده‌اش هم دو درس توحید و معاد است. بیشتر این آیات اشاره به این دارد که این تحول و پدیدار شدن بهار و زندگی جدید طبیعت را به دست الهی ببین، یک ریسمان الهی است که پشت این قوانین طبیعت نهفته است، با آن اراده و نگاه، عالم در معرض این قوانین قرار می‌گیرد، این قوانین حاکم شده است و زمین می‌میرد و مجدد زنده می‌شود.

در قرآن وقتی‌که گفته می‌شود خداوند باران می‌فرستد، گیاهان را می‌رویاند، آسمان را چنین می‌کند و مانند این‌ها، معنایش نفی قوانین فیزیک و طبیعی نیست و اینکه خداوند بی‌واسطه قوانین طبیعی و مقررات حاکم بر طبیعت خودش باران می‌فرستد و گیاه می‌رویاند، این تفکر غلطی بود که گاهی در مسیحیت پیدا شد و عده‌ای به انحراف این برداشت غلط را از متون دینی داشتند که خدا وقتی چیزی را به خودش نسبت می‌دهند یعنی قوانین هیچ نقشی ندارند. منطق قرآن و بیان آن هیچ‌وقت قوانین فیزیک و طبیعی را نفی نمی‌کند بلکه گاهی خود قرآن اشاره به آن قوانین هم می‌کند.

قرآن می‌گوید که این رشته علل و معلولات در عمق خودش به یک مبدأ غیبی متکی است، اراده و قدرت خداوند جای باران را نمی‌گیرد، جای ابر، دریا، پیدایش معدن و قوانین را نمی‌گیرد بلکه همه این‌ها نهایتاً به اراده خداوند متکی است، منطق هم همین را می‌گوید.

این نظامی که دیده می‌شود چگونه ابر پدید می‌آید، چگونه حرکت می‌کند، چگونه می‌بارد، چگونه گیاهان و زمین از این آب تغذیه می‌کنند، چگونه این مواد باهم ترکیب و تجزیه می‌شوند، همه این‌ها به دست خدا است، نمی‌توان گفت که این قوانین وجود ندارد اما علم و دانش و قوانین حاکم بر طبیعت را محکوم نمی‌کنند بلکه می‌گویند همه این‌ها سرسلسله‌اش خدا است و این عالم بدون اراده خداوند هیچ است.

«**فَأَحْیینَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ موت‌ها**[[6]](#footnote-6)» خدا این زمین را زنده کرد، خدا آن باران را فرستاد، آن ابر را حرکت داد و بارانی کرد، خدا به آن شکل شرایط را پدید آورد که این‌ها ترکیب بشوند، به‌صورت درخت دربیایند و از خاک مرده گیاه زنده پدید بیاید و از دل موجود بی‌خاصیت حیات انسانی باآن‌همه خواص حیاتی پدید بیاید. این قضیه باید انسان‌ها را از خواب غفلت بیدار بکند.

یک مطلب هم مسئله معاد است، اینکه چگونه می‌شود انسان بعدازاینکه خاک شد و مرد در وقت قیامت مجدداً حشر جدیدی پیدا می‌کند. یکی از منطق‌های قرآن در استفاده از بهار همین نکته است؛ برای اینکه تعجب ما را بزداید و از ما رفع تعجب بکند، در باب زندگی مجدد انسان بعد از مرگ می‌گوید شما طبیعت را ببینید، چگونه طبیعت یک سیکل و چرخه‌ای را طی می‌کند و زمانی می‌بیند که همه علائم گیاهان و همه نشانه‌های حیات نباتی و گیاهی از طبیعت محو می‌شود ولی همه‌چیز مجدداً زنده می‌شود.

پس احتمال این را هم بدهید که انسان‌ها و مردگان بعد از فرارسیدن موعد قیامت مجدداً زنده بشوند و علائم حیاتی پیدا بکند، برای مسئله معاد به مثال‌ها و شواهد مختلفی در قرآن تمسّک شده است تا انسان‌ها تعجب نکنند که طبیعت مجدداً حیات پیدا می‌کند.

در قرآن به نشانه‌های مختلف ازجمله مسئله بهار اشاره‌شده است. در روایات هم به چیزهای مختلفی ازجمله مسئله خواب تمسّک شده است و می‌گوید چطور در خواب علائم حیاتی انسان‌ها خیلی کم می‌شود اما ناگهان با بیداری همه آن‌ها برمی‌گردد.

 بنابراین در بهار هم آن نگرش توحیدی و آیات الهی و قدرت خداوند که حاکم بر قوانین طبیعت است نمایان است و هم مسئله معاد که خداوند در بیان‌های گوناگون تلاش کرده که حیات مجدد بدن‌ها وزنده شدن انسان‌ها در روز قیامت باعث تعجب نشود.

البته در قرآن کریم بیشتر به بحث توحیدی توجه شده است اما در چند جا هم با همان نگاه معادی به قضیه نگاه کرده است ازجمله آیه شریفه سوره ق که می‌فرماید: «**وَ أَحْیینَا بِهِ بَلْدَةً مَّیتًا کذَلِک الْخُرُوجُ**[[7]](#footnote-7) نگاه نمی‌کنید چطور ما باران و ابر را پدید آوردیم و ابر را به حرکت درآوردیم، چگونه باران بارید و گیاهان روییدند، چگونه زمین مرده از خواب زمستانی بیدار شد، این را می‌بینید؟» تعجب نکنید این داستان برای انسان هم آمده است، همین بدن مرده‌ای که علائم حیاتی خودش را هنگام مرگ از دست می‌دهد روزی با ارتباط باروح برمی‌گردد.

قرآن می‌گوید انسان‌ها حیات‌های مختلف دارند، هم حیات حیوانی دارند و هم حیات نباتی دارند و هم یک زندگی مادی و طبیعی دارند اما در درون آن‌ها یک زندگی بالاتری وجود دارد، درواقع هرکسی که خودش را بسازد یک بهار در وجودش تحقق پیدا می‌کند و آن بهار معنوی است که قرآن به آن حیات طیبه می‌گوید و به «**نُورًا یمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ[[8]](#footnote-8)»** تعبیر می‌کند یعنی دقیقاً همان‌طور که این ماده بی‌جان و بی‌خاصیت و گیاهان پژمرده با بهار حیات نوین پیدا می‌کنند و ثمر می‌دهند و سبز و خرّم و شاد می‌شوند در روح انسان هم مرگ و حیات معنوی است.

انسان‌ها معمولاً در خواب یا مرگ معنوی هستند اما می‌شود با ریاضت، با اصلاح نفس و با سازندگی درون نفس و دل‌وجان را بیدار کرد، که این حیات طیبه می‌شود. در بهار طبیعت درس توحید وجود دارد، درس معاد و آگاهی‌بخشی وجود دارد و نمونه‌ای از یک حیات جدید وجود دارد که ممکن است در روح و روان انسان پدید بیاید.

پیام قرآن این است که ای انسان آن لذایذ مادی و طبیعی جای خود دارد، اما بصیرت خود را به عمق ببر و با نگاهی که به عالم می‌اندازی بهاری در درون خودت ایجاد بکن، این نگاه اخلاقی و معنوی خیلی ارزش دارد و انسان را شاداب و نیرومند می‌سازد.

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِک النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِی یوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ**.[[9]](#footnote-9)

خطبه دوم

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ[[10]](#footnote-10) و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم** **علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبی القاسم محمّد (ص)، و علی آله الأطیبین الأطهرین اللهم صل علی سیّدنا و مولانا و امامنا** **امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب و علی الصّدیقة الطاهره فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) صلواتک علیهم أجمعین أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ[[11]](#footnote-11) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه****و تجهّزوا عباد الله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزّاد التقوی.**

نگاه کلی به حوادث و وقایع کلی سال

سالی که گذشت سال موفقیت‌ها و هم ضعف‌ها بود و قاعده‌اش این است که در آغاز و پایان سال مسئولین و ملّت ایران نگاهی به کارنامه کشور و عملکرد و فعالیت خودشان داشته باشند تا درصدد رفع مشکلات و برنامه‌ریزی درست برای سال جدید برآیند.

مقام معظم رهبری در سخنانشان هم بر تداوم سال مولا امیرالمؤمنین (ع) اشاره کردند و هم به اقتدار ملی و هم توجه به مسائلی که در زمینه اشتغال و مشکلات جوانان وجود دارد.

اقتدار ملی

مردم و جناح‌های مختلف کشور بر اصل عزّت و عظمت کشور و آنچه در تعبیر اقتدار ملی آمده است قاعدتاً توافق دارند و طبعاً در این اقتدار ملی تفاوت‌ها و اختلافاتی میان جناح‌های سیاسی و سلایق مختلف سیاسی وجود دارد اما به نظر می‌آید اگر مردم نقاط مشترکی پیدا نکنند این کشور نمی‌تواند روبه‌پیشرفت و ترقی برود.

نکاتی پیرامون اقتدار ملی

1. مسئله حدود و ضوابط آزادی:

این نکته از مسائل مهمی است که پایه اقتدار ملی را تشکیل می‌دهد، بر اساس آنچه مسئولان عالی‌رتبه نظام می‌گویند و بر اساس سیاست‌هایی که مقام معظم رهبری تعیین می‌کنند قطعاً همه ملت ایران یک مردم‌سالاری دینی را تعقیب می‌کنند که پایه و مبنای زندگی انسان‌ها است. اما در درون همین تعالیم دینی آزادی و امنیت هم وجود دارد که باید تعریف بشود.

متأسفانه در این زمینه افراط‌وتفریط‌هایی وجود دارد که در مطبوعات، در سخنرانی‌ها و در برخوردها فراوان دیده می‌شود. باید تلاش کرد که آزادی و حق مردم در انتقاد، در اظهارنظر و امثال این‌ها حفظ شود و درعین‌حال حدود و ضوابط این آزادی باید مشخص شود.

هیچ‌گاه در هیچ مکتبی آزادی به‌طور مطلق وجود ندارد، هم به لحاظ فلسفی امکان ندارد و هم به لحاظ مکاتب فکری و اجتماعی و سیاسی چنین چیزی تحقق‌نیافته است و هیچ کجا مدّعی یک بی حدّ و مرزی نیستند.

در ایران هم علاوه بر حفظ آزادی باید به چارچوب اسلام و قانون اساسی و سیاست‌های نظام توجه داشت، مطمئناً اگر آزادی‌خواهی در چارچوب درست قرار نگیرد به اصل آزادی در این کشور ضربه خواهد زد.

این‌ها نکاتی است که در مواضع رسمی نظام و نظریّات مقام معظم رهبری هم تبیین شده است، باید حساسیت‌های دینی و ارزشی و بنیادی را ارج نهاد اما درعین‌حال باظرافت و دقت و متناسب به زمان باید از آن استفاده کرد و اگر به یک حدّ اعتدال منطقی برسد و مرزها و حریم‌ها حفظ شود قطعاً آینده خوبی برای کشور قابل ترسیم است.

1. امنیت

امنیت در همان چارچوب‌هایی که سیاست‌های نظام تعیین کرده است باید مهم شمرده شود. اینکه مردم در ابعاد مختلف مانند مرزها و نقاط مختلف کشور، ازلحاظ مالی، جانی و فکری امنیت داشته باشند و جلوی تعدّی‌ها و تجاوزها گرفته بشود و پاره‌ای از فسادها و امراضی مانند اعتیاد باید واقعاً کنترل و مهار بشود.

1. اقتصاد

ایران نباید کشوری باشد که در افراط‌وتفریط بیفتد، یک روزی همه سعی افراد روی توسعه اقتصادی باشد و یک روزی همه سعی روی توسعه سیاسی باشد، بعد حریم‌ها و مرزها شکسته شود و به آن ضوابطی که لازمه بقاء نظام است توجهی نشود، مسئله اقتصاد و اشتغال واقعاً امر مهمی است.

1. خواسته‌های جوانان

تولید اشتغال و توجه به مسائلی که برای جوانان مهم است و اساس حلّ مسئله ازدواج از امور مهم در حفظ اقتدار ملی است.

1. صبر، مقاومت و پایداری مردم

مردم هم باید تلاش کنند و هم در نظر داشته باشند که دشمن در کمین است، افرادی فکر می‌کنند که گویا در دنیای امروز ایران هیچ دشمنی ندارد، این حرف غلطی است همان‌طور که اگر مردم فکر کنند همه مشکلات از دشمنان است و خودشان بی‌عیب و اشکال هستند، آن‌هم غلط است.

1. وحدت و انسجام

ولایت‌فقیه درواقع یک نقطه اتکا برای کشور است که متناسب با مبانی ارزشی ما است. ولایت یعنی حقی که حکومت برای اداره جامعه دارد و در همه مکاتب هم این امر موجود و متصوّر است. نباید در این زمینه مرزشکنی و لجاجت شود، اختلافات سلیقه‌ای قابل‌قبول است اما آنجایی که سیاستی تعیین می‌شود و نکته روشنی اعلام می‌شود حتی اگر جناحی هم آن را درست نمی‌داند می‌تواند پیشنهاد و نظر بدهد، اما در مقام عمل باید ایستادگی و پایداری داشت.

وظیفه مردم و مسئولین

ملت ایران بهای سنگینی در برابر آنچه به دست آورده پرداخته است و اگر در این تجربه سنگین شکست بخورد و حدود و مرزها رعایت نشود معلوم نیست چه روزی به بر سر این کشور و ملت بیاید، بنابراین همه باید احساس مسئولیت بکنند و بر اساس خیرخواهی و دلسوزی برای مردم در این زمینه‌ها تلاش شود.

اعلام دو شعار اقتدار ملی و اشتغال هم با همین مسائل ارتباط دارد و امید است که تداوم سال مولا امیرالمؤمنین مایه این باشد که اولاً مسئولان خودشان را با آن الگو نزدیک بکنند و بعد مردم خود را نزدیک بکنند.

مهم‌ترین کارهای انجام‌شده در منطقه

مسئله آب‌رسانی به استان یک‌قدم بزرگ برای احیاء و پیشرفت این منطقه بود که در سال 79 آغاز شد و به بار نشست. در مسئله گازرسانی که از زیرساخت‌های مهم توسعه اقتصادی و پیشرفت جامعه است، در سال 79 قدم‌های بزرگی برداشته شد و امید است که تا یکی دو سال آینده عمده مناطق شهری زیرپوشش گاز برود.

در مسئله صنایع قدم‌های خوبی برداشته‌شده است البته صنایع نیمه‌تمام و مشکل‌دار هنوز هستند که ان‌شاءالله به اتمام برسند. مقدمات راه‌اندازی مسئله فولاد تا حدی انجام‌شده است، در مسئله قند، در صنایع کاشی و سایر صنایع هم یک اقداماتی انجام‌شده است، نسبتاً می‌توان گفت که موفق بوده است اما کاستی‌های زیادی وجود دارد که ان‌شاءالله با تسهیلاتی که دولت خواهد داد و با پیگیری مردم و مسئولین سال 80 چندین صنعت و کارخانه به نتیجه و بهره‌برداری برسد که تا حدی اشتغال را حل بکند. در صنایع‌دستی و در سرامیک کم‌وبیش کارهای خوبی انجام‌شده است، و ان‌شاءالله به کمک مسئولین صنعت زیلو دوباره در شهر زنده شود.

 در بخش مراکز علمی و دانشگاهی قدم‌های بزرگی برداشته‌شده است، دانشگاه پیام نور و چند مرکز علمی هنوز هم با مشکلاتی روبه‌رو هستند که نیاز به پیگیری مسئولین و همکاری مردم دارد. در زمینه‌های کتابخانه کار جدیدی انجام‌نشده است اما امید است که در سال جدید چندین کتابخانه و مرکز فرهنگی راه بیفتد.

در مورد سالن‌های تجمّعات دو سه سالن در حال پیگیری است که ان‌شاءالله به‌جایی برسد. آموزش‌وپرورش ازنظر تربیت دانش‌آموزان و کسب رتبه‌های علمی اقدامات خوبی انجام داده‌اند، هنوز هم کم‌وبیش مشکل کمبود مدارس و تجهیزات آن وجود دارد که خیرین باید به آن توجه کنند. درزمینهٔ کشاورزی هم‌قدم‌های خوبی برداشته‌شده است و ان‌شاءالله پیشرفت بهتری داشته باشد.

این شهر ازلحاظ تعاونی کاستی دارد که نیاز به پیگیری خود مردم و مسئولین دارد، در مسائل بیمارستانی هم‌کاره‌ای خوبی انجام‌شده است و باید تشکر کرد. مشکلات ورزشی هنوز هم در شهر وجود دارد. در مسائله جهاد سازندگی در مورد حل مشکلات روستاها در بعضی مناطق کارهای خوبی انجام‌شده است،

1. .43. سوره مبارکه الأعراف، آیه [↑](#footnote-ref-1)
2. .. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره مبارکه البقره، آیه 164. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره مبارکه النحل، آیه 65. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره مبارکه الفاطر، آیه 9. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره مبارکه الفاطر، آیه 9. [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره مبارکه ق، آیه 11.. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره مبارکه الأنعام، آیه 122. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره مبارکه النّاس. [↑](#footnote-ref-9)
10. نهج‌البلاغه، خطبه 98.. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-11)